



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قرآن و حدیث
پریس تهران

رساله دکتری
رشته کلام امامیه

عنوان رساله مبانی کلامی فقه حکومتی

استاد راهنما

سید سجاد ایزدهی

استاد مشاور

احمد کریمی

دانشجو

صدیقه صدیق تقی زاده

بهمن ۱۳۹۹

تعهدنامه اصالت و حقوق پایان نامه

اینجانب صدیقه صدیق تقی زاده دانشجوی ورود ۱۳۹۲ مقطع دکتری رشته کلام امامیه که موضوع رساله/ پایان نامه ام با عنوان: «مبانی کلامی فقه حکومتی»

در شورای علمی گروه آموزشی علمی کلام به تصویب نهایی رسیده است، تعهد می‌دهم:

الف) همه مطالب و مندرجات رساله/ پایان نامه ام حاصل تحقیقات شخصی ام تهیه شده است و در صورت استفاده از مطالب، نتایج تحقیقات، نقل قول‌ها، جداول و نمودارهای دیگران، منابع و مآخذ آن را مطابق با شیوه نامه دانشگاه ذکر نموده‌ام.

ب) حقوق مادی و معنوی دانشگاه را درباره این اثر محترم بشمارم و در صورتی که نتایج این تحقیق را در کتاب، مقاله، اختراع، اکتشاف و هر گونه تولید علمی دیگری منتشر کنم، با نام دانشگاه قرآن و حدیث بوده و مطابق با ضوابط آن عمل نمایم.

ج) در صورت استفاده از حمایت‌های مالی و غیر مالی نهادهای دولتی و غیر دولتی در این تحقیق، مراتب را کتباً به امورپایان نامه‌های دانشگاه اطلاع دهم.

د) چنانچه در هر شرایط و زمانی، خلاف تعهدات فوق ثابت شود، دانشگاه را در اتخاذ هر نوع تصمیم حقوقی مختار می‌دانم و نسبت به تصمیم اتخاذ شده ادعا و اعتراضی ندارم.

نام و نام خانوادگی دانشجو: صدیقه صدیق تقی زاده

تاریخ و امضاء:

تقدیم

تقدیم به ساحت مقدس قطب عالم امکان، امیر مؤمنان که این تحقیق به یمن برکت امامتش و در سالروز ولایتش (در روز غدیر) به اتمام رسید.

تقدیم به روح بلند امام خمینی که تحقق فقه حکومتی در عصر حاضر مرهون بیان و بنان ایشان است.

و

تقدیم به پدرم که خاک وجودم را به اکسیر علم و محبت سرشت.

در وجودم بذر خداآوری، انسان دوستی و تکامل را کشت.

جامه جدّ و جهدم را به خامه محبت آغشت.

بر سر در خانه دلم، یاد خدا را نوشت.

و گونه ای زیست در مسیر بهشت.

سپاسگزاری

منت خدای را که انجام این تحقیق، مرهون توفیق اوست و سپاس از اساتیدی که پیگیری و سامان یافتن این پژوهش مدیون راهنمایی، حمایت فکری، نکته‌سنجی، شکیبایی و تشویق آنان است.

از این روی، بر خود فرض می‌دانم از زحمات، پی‌گیری‌ها و راهنمایی‌های کارگشای حجت‌الاسلام و المسلمین آقای سید سجاد ایزدهی در به سامان رسیدن این تحقیق تشکر کرده و همچنین قدردان استاد فرهیخته مشاور جناب آقای احمد کریمی باشم که با دانش، کاردانی و نکته‌سنجی، مشاوره شایسته در ارتقای این رساله بودند.

چکیده

دانش فقه که همواره فرزند زمانه خویش بوده و به مثابه دانشی در تراز پاسخ‌گویی به نیازهای زمانه، در زمان‌های گذشته پاسخ‌گوی نیازهای فردی مؤمنان بوده و اداره مؤمنانه جامعه ایمانی را بر عهده داشته است، در عصر حاضر و تحقق حکومتی مبتنی بر هنجارهای فقهی، اداره شریعت‌مدار حکومت را در قالب «فقه حکومتی» بر عهده گرفته و با نگرشی به اداره مطلوب حکومتی دینی، فرایند اجتهاد را در به‌سامانی جامعه در وصول به اهداف و غایات دین را مورد عنایت قرار می‌دهد. از آنجاکه علم کلام همواره به‌عنوان دانش پشتیبان علم فقه به شمار رفته و نقشه راه و مبانی آن را ترسیم می‌کند، لذا این تحقیق در راستای تبیین رویکرد روزآمد فقه و بر عهده گرفتن کارویژه اداره نظام سیاسی، متناسب با نیازهای امروزین جامعه اسلامی، مبانی کلامی‌ای که به اثبات و تبیین این رویکرد فقهی، منجر می‌شود را مورد تحقیق و بررسی قرار داده است. این تحقیق که در پاسخ به چیستی مبانی کلامی فقه حکومتی شکل گرفته است، از روش‌شناسی کلامی که تلفیقی از روش عقلی و نقلی (به تناسب موضوعات نصّ محور و عقلانی) است استفاده کرده و مبانی کلامی خداشناختی، انسان‌شناختی، راهنماشناختی و دین‌شناختی فقه حکومتی را مورد بررسی قرار داده است. علم کلام، بر این اساس، علاوه بر این‌که حجیت فقه در اعصار گذشته و متناسب با قبض ید فقیهان، در تراز پاسخ‌گویی به نیازهای مؤمنانه جامعه دینی را تضمین کرده است، مبانی فقه حدّاکثری (فقه حکومتی) در زمان بسط ید و حاکمیت فقیهان بر اداره جامعه دینی را ارائه کرده و حکم به اداره شریعت‌مدار جامعه توسط قوانین فقهی می‌کند. بر این اساس، این تحقیق، علاوه بر مفهوم‌شناسی مناسب از فقه حکومتی، پاسخی به چیستی آن داده و زوایای آن را مورد بررسی قرار داده است. بلکه ضمن محدود نداشتن باورهای خداشناختی، انسان‌شناختی، راهنماشناختی و دین‌شناختی، به امور ذهنی و عقیدتی، امتدادی از این باورها در گستره اداره امور دینی جامعه، ترسیم کرده و الزامات عینی این عقاید در عرصه اداره جامعه را در قرائت حدّاکثری از فقه شیعه ارائه کرده است که به رویکردی وسیع در فقه، ناظر به اداره امور کلان جامعه انجامیده و نه فقط رویکرد فقه حکومتی را توجیه و تبیین می‌کند، بلکه آن را در عصر حاضر و متناسب با حاکمیت فقیهان بر نظام سیاسی، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. آنچه می‌تواند دستاورد و نوآوری این تحقیق، به شمار رود، به خدمت گرفتن مباحث کلام مضاف (کلام سیاسی) و منابع آن، برای پاسخ به پرسش از امکان فقه حکومتی به‌عنوان یکی از مورد ابتلاترین مسائل در ظرف حکومت اسلامی و امکان تحوّل فقه شیعه از رویکردی فردمحور، به رویکرد حکومتی است.

کلیدواژگان: فقه حکومتی، کلام سیاسی، مبانی کلامی، مبانی خداشناسی فقه حکومتی، مبانی انسان‌شناسی فقه

حکومتی، مبانی راهنماشناسی فقه حکومتی، مبانی دین‌شناسی فقه حکومتی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۲	۱-۱. کلیات
۲	۱-۱-۱. بیان مسئله تحقیق
۵	۱-۱-۲. ضرورت و اهداف تحقیق
۶	۱-۱-۳. سؤالات اصلی و فرعی
۷	۱-۱-۴. فرضیه تحقیق
۸	۱-۱-۵. پیشینه تحقیق
۱۰	۱-۱-۶. چارچوب نظری تحقیق
۱۳	۱-۱-۷. ساختار تحقیق
۱۴	۲-۱. مفاهیم
۱۴	۱-۲-۱. کلام
۱۷	۲-۲-۱. کلام سیاسی
۱۷	۱-۲-۲-۱. کلام سیاسی به مثابه گرایشی بینارشته‌ای
۱۸	۲-۲-۲-۱. کلام سیاسی به مثابه ترائی ماندگار در ساحت علم کلام
۲۰	۳-۲-۲-۱. تعریف کلام سیاسی
۲۲	۳-۲-۱. مبانی کلامی
۲۴	۴-۲-۱. فقه سیاسی
۲۸	۵-۲-۱. فقه حکومتی
۳۰	۶-۲-۱. تمایز فقه حکومتی با فقه سیاسی
۳۱	۷-۲-۱. تمایز فقه حکومتی با فقه الحکومة
۳۱	۸-۲-۱. حکومت اسلامی
۳۳	۳-۱. جمع‌بندی فصل اول

۳۵	فصل دوم: چيستی و ویژگی های فقه حکومتی
۳۶	۱-۲. تاریخچه فقه حکومتی
۳۸	۱-۲-۱. رویکرد اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۴۱	۲-۲-۱. رویکرد فقیهان
۴۲	۱-۲-۱-۲. عصر آل بویه
۴۲	۲-۲-۱-۲. عصر مغولان
۴۲	۳-۲-۱-۲. عصر صفویه
۴۳	۴-۲-۱-۲. عصر قاجاریه
۴۵	۵-۲-۱-۲. عصر مشروطه
۴۶	۶-۲-۱-۲. عصر انقلاب اسلامی
۴۹	۲-۲. چيستی فقه حکومتی
۵۰	۱-۲-۲. عنایت به حکومت به مثابه موضوع فقه
۵۰	۲-۲-۲. عنایت به فقه به مثابه نرم افزار اداره حکومت
۵۱	۳-۲-۲. عنایت به حکومت به مثابه تقنین و اجرای آن از سوی حاکم
۵۱	۴-۲-۲. رویکرد حکومت به مثابه ایجاد حکم در منطقه الفراغ
۵۲	۳-۲. نقد و بررسی
۵۴	۴-۲. ویژگی های فقه حکومتی
۵۵	۱-۴-۲. از حیث مبانی
۵۵	۱-۱-۴-۲. جامعیت دین
۵۶	۲-۱-۴-۲. امکان پاسخگویی در اداره کارآمد حکومت
۵۷	۲-۴-۲. از حیث گستره
۵۷	۱-۲-۴-۲. گستره مخاطبان
۵۷	۲-۲-۴-۲. گستره مباحث فقهی
۵۸	۳-۲-۴-۲. گستره جغرافیایی
۵۸	۳-۴-۲. از حیث روش شناسی
۵۹	۱-۳-۴-۲. نظام وارگی متناسب با اداره نظام سیاسی

۶۰	۲-۳-۴-۲. در نظر گرفتن ثابتات و متغیرات در استنباط.....
۶۰	۳-۳-۴-۲. امکان تبدیل به قانون.....
۶۰	۴-۴-۲. از حیث رویکرد.....
۶۰	۱-۴-۴-۲. رویکرد کارآمدی.....
۶۱	۲-۴-۴-۲. رویکرد مراعات اقتضائات نظام.....
۶۲	۵-۲. جمع بندی فصل دوم.....
۶۴	فصل سوم: مبانی خداشناختی فقه حکومتی.....
۶۵	۱-۳. توحید و الزامات آن در ساحات مختلف اجتماع.....
۶۹	۱-۱-۳. توحید در تشریح.....
۷۱	۱-۱-۳. مقتضای دلیل عقل در توحید تشریحی.....
۷۱	۲-۱-۳. مقتضای دلیل نقلی در توحید تشریحی.....
۷۶	۲-۱-۳. توحید در حاکمیت (ولایت).....
۸۲	۳-۱-۳. توحید در اطاعت.....
۸۸	۲-۳. آموزه های مبتنی بر اسما حسناى الهی.....
۸۹	۱-۲-۳. ملک (فرمانروایی).....
۸۹	۲-۲-۳. حکیم (حکمت).....
۸۹	۱-۲-۲-۳. تعریف حکمت و مراد از حکمت الهی.....
۹۱	۲-۲-۲-۳. حکمت به مثابه قاعده کلامی.....
۹۲	۳-۲-۲-۳. شاخص های حکمت الهی و لوازم آن نسبت به تحقق فقه حکومتی.....
۹۲	الف) تنزه از ناشایستگی.....
۹۴	ب) انسجام و تناسب.....
۹۵	ج) نظام وارگی.....
۹۷	د) جامعیت: اشمال بر امور حکومتی و اداره حکومت.....
۹۹	۳-۲-۳. قادر (قدرت).....
۱۰۳	۴-۲-۳. لطیف (قاعده لطف).....
۱۰۸	۵-۲-۳. هادی (هدایت).....
۱۰۸	۶-۲-۳. عادل و مقسط (عدالت).....

۱۰۹	۱-۲-۳. مفهوم عدالت.....
۱۱۰	الف) عدالت به مثابه استقامت.....
۱۱۰	ب) عدالت به مثابه مساوات و برابری.....
۱۱۰	ج) عدالت به مثابه ضد ظلم و جور.....
۱۱۰	د) عدالت به مثابه اعتدال و حدّ وسط میان افراط و تفریط.....
۱۱۱	ه) عدالت به مثابه قرار دادن هر چیز در جایگاه مناسب خویش.....
۱۱۴	۳-۳. هدف مندی افعال الهی.....
۱۱۸	۴-۳. ولایت فراگیر الهی.....
۱۱۸	۵-۳. جمع بندی فصل سوم.....
۱۲۲	فصل چهارم: مبانی انسان‌شناختی فقه حکومتی.....
۱۲۳	۱-۴. انسان در نگرش کلامی.....
۱۲۳	۱-۱-۴. انسان در دو رویکرد مادی و غیر مادی.....
۱۲۵	۲-۱-۴. انسان در نگرش کلامی اسلام.....
۱۲۹	۲-۴. مبانی کلامی انسان‌شناختی و الزامات آن در خصوص فقه حکومتی.....
۱۲۹	۱-۲-۴. خلافت الهی انسان.....
۱۳۳	۱-۱-۲-۴. الزامات انسان‌شناختی مبتنی بر خلافت الهی بر رویکرد فقه حکومتی.....
۱۳۳	الف) کارگزاران.....
۱۳۴	ب) مردم و شهروندان.....
۱۳۵	۲-۲-۴. انسان به مثابه موجودی دارای ابعاد مختلف.....
۱۳۶	۱-۲-۲-۴. تمایزات و امتیازات انسان از سایر موجودات.....
۱۳۸	۲-۲-۲-۴. اشتمال بر جسم و روح.....
۱۴۱	۳-۲-۴. انسان به مثابه موجودی دارای اراده و اختیار.....
۱۴۳	۱-۳-۲-۴. دیدگاه کلام شیعی در خصوص اراده انسان.....
۱۴۵	۲-۳-۲-۴. الزامات مختار و اراده مند بودن انسان در خصوص رویکرد فقه حکومتی.....
۱۴۷	۴-۲-۴. انسان به عنوان موجودی تکریم شده.....
۱۴۸	۱-۴-۲-۴. کرامت ذاتی انسان.....
۱۵۰	۲-۴-۲-۴. کرامت اکتسابی.....

الف) الزامات کلان کرامت انسانی در رویکرد فقه حکومتی	۱۵۱
ب) الزامات کرامت انسانی نسبت به حق تعیین سرنوشت.....	۱۵۳
ج) الزامات کرامت انسانی نسبت به حق برخورداری از امنیت	۱۵۴
د) الزامات کرامت انسانی نسبت به حق برخورداری از آزادی	۱۵۵
ه) الزامات کرامت انسانی نسبت به حق برابری	۱۵۶
۴-۲-۵. انسان به عنوان موجودی اجتماعی	۱۵۷
۴-۲-۵.۱. رویکرد اجتماعی انسان	۱۵۷
۴-۲-۵.۲. الزامات رویکرد اجتماعی انسان در فقه حکومتی	۱۶۰
۴-۲-۶. قانونمداری انسان	۱۶۱
۴-۲-۶.۱. حاکمیت قوانین الهی در جوامع دینی	۱۶۳
۴-۲-۶.۲. الزامات قانونمداری انسان در رویکرد فقه حکومتی	۱۶۶
۴-۳. جمع بندی فصل چهارم	۱۶۸
فصل پنجم: مبانی راهنماشناختی فقه حکومتی	۱۷۲
۵-۱. هدف از ارسال رسل	۱۷۵
۵-۱-۱. ارسال رسل جهت فعلیت بخشی به استعدادهای انسان	۱۷۵
۵-۱-۲. ارسال رسل، به جهت تحقق قوانین الهی	۱۷۷
۵-۱-۳. ارسال رسل به خاطر ابلاغ تکالیف الهی	۱۸۰
۵-۱-۴. ارسال رسل جهت اقامه حکومت	۱۸۱
۵-۱-۴-۱. ارسال رسل به غرض اطاعت فراگیر سیاسی، اجتماعی	۱۸۱
۵-۱-۴-۲. ارسال رسل به غرض تحقق قوانین شرعی در بستر جامعه	۱۸۴
۵-۱-۵. ارسال رسل جهت اقامه قسط و عدل:	۱۸۶
۵-۱-۶. ارسال رسل جهت رفع منازعات	۱۸۹
۵-۲. خاتمیت پیامبر	۱۹۱
۵-۳. تفکیک ساحت‌های معصوم	۱۹۵
۵-۳-۱. جایگاه ساحت‌های مختلف معصوم نسبت به یکدیگر	۱۹۶
۵-۳-۱-۱. اولویت مرجعیت علمی نسبت به مرجعیت سیاسی - اجتماعی	۱۹۷

- ۲-۱-۳-۵. اولویت مرجعیت سیاسی - اجتماعی نسبت به مرجعیت علمی..... ۱۹۸
- ۲-۳-۵. رویکرد فقه حکومتی به ساحت‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ۲۰۰
- ۴-۵. حاکمیت شرعی یا عرفی معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام ۲۰۱
- ۱-۴-۵. دیدگاه اندیشمندان سکولار ۲۰۱
- ۱-۱-۴-۵. علی عبدالرازق ۲۰۳
- ۲-۱-۴-۵. مهدی بازرگان ۲۰۴
- ۳-۱-۴-۵. مهدی حائری یزدی ۲۰۵
- ۴-۱-۴-۵. عبدالکریم سروش ۲۰۶
- ۲-۴-۵. ادله رویکرد عرفی به حاکمیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ۲۰۷
- ۱-۲-۴-۵. آیات قرآن ۲۰۷
- ۲-۲-۴-۵. سنت و سیره ۲۰۸
- ۳-۴-۵. نقد و ارزیابی نظریه سکولاریسم اسلامی ۲۰۹
- ۴-۴-۵. الزامات رویکرد فقه حکومتی نسبت به خاستگاه شرعی حاکمیت پیامبران ۲۱۹
- ۵-۵. امکان انتقال اختیارات معصوم به فقیهان ۲۲۰
- ۱-۵-۵. امکان انتقال اختیارات معصوم در قرائت‌های مختلف ولایت فقیه ۲۲۱
- ۱-۱-۵-۵. قرائت اخباری‌گری ۲۲۱
- ۲-۱-۵-۵. قرائت حسبیه ۲۲۳
- ۳-۱-۵-۵. تحلیل و بررسی ۲۲۵
- ۶-۵. اثبات انتقال اختیارات معصوم به فقیهان ۲۲۷
- ۱-۶-۵. ادله جانشینی فقیهان ۲۲۸
- ۲-۶-۵. الزامات رویکرد حکومتی به فقه در اداره جامعه ۲۳۲
- ۷-۵. جمع‌بندی فصل پنجم ۲۳۴
- فصل ششم: مبانی دین‌شناختی فقه حکومتی ۲۳۷
- ۱-۶. جامعیت دین ۲۳۸
- ۱-۱-۶. جامعیت از حیث منابع فقهی ۲۳۹
- ۱-۱-۱-۶. دلیل عقل ۲۴۰

۲۴۱	۲-۱-۱-۶. آیات قرآن.....
۲۴۲	۳-۱-۱-۶. روایات.....
۲۴۵	۲-۱-۶. جامعیت از حیث ابواب فقهی.....
۲۴۶	۱-۲-۱-۶. نظام مالی اداره جامعه.....
۲۴۸	۲-۲-۱-۶. نظام امنیتی اداره جامعه.....
۲۴۹	۳-۲-۱-۶. نظام جزائی، کیفری و قضائی جامعه.....
۲۵۰	۳-۱-۶. الزامات جامعیت دین و فقه در رویکرد فقه حکومتی.....
۲۵۳	۲-۶. جاودانگی دین.....
۲۵۴	۱-۲-۶. ادله جاودانگی دین و شریعت.....
۲۵۶	۲-۲-۶. جاودانگی و مسئله ثابتات و متغیرات.....
۲۵۸	۳-۶. الزامات جاودانگی دین و فقه حکومتی.....
۲۵۹	۴-۶. اهداف و کارویژه‌های دین.....
۲۶۰	۱-۴-۶. دیدگاه‌ها در خصوص اهداف و کارویژه‌های دین.....
۲۶۰	۱-۱-۴-۶. اهداف و کارویژه‌های مادی و دنیوی.....
۲۶۱	۲-۱-۴-۶. اهداف و کارویژه‌های اخروی.....
۲۶۲	۳-۱-۴-۶. اشتغال بر اهداف و کارویژه‌های دنیوی و اخروی.....
۲۶۳	۴-۱-۴-۶. اهداف و کارویژه‌های اصلاح نظام اخلاقی بشر.....
۲۶۴	۵-۱-۴-۶. اهداف و کارویژه‌های اداره شریعت‌مدار جامعه.....
۲۶۵	۲-۴-۶. الزامات هدف‌انگارانه و کارکردگرایانه دین در رویکرد حکومتی به فقه.....
۲۶۶	۱-۲-۴-۶. اهداف و کارکردها با عنایت به گستره.....
۲۶۷	۲-۲-۴-۶. اهداف و کارکردها در بستر شرایط تاریخی.....
۲۷۰	۵-۶. نظام‌وارگی دین.....
۲۷۰	۱-۵-۶. مفهوم نظام.....
۲۷۱	۲-۵-۶. ادله نظام‌وارگی.....
۲۷۳	۳-۵-۶. الزامات نظام‌وارگی به رویکرد فقه حکومتی.....
۲۷۸	۶-۶. مخاطبان دین.....

۲۷۸	۱-۶۶. خطاب به همه انسان‌ها
۲۷۹	۲-۶۶. خطاب به جامعه
۲۸۶	۳-۶۶. الزامات اشتغال خطاب به همه انسان‌ها و جامعه در رویکرد فقه حکومتی
۲۸۷	۷-۶. جمع‌بندی فصل ششم
۲۹۰	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری تحقیق
۲۹۴	فهرست منابع و مآخذ

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱. کلیات

۱-۱-۱. بیان مسئله تحقیق

«فقه حکومتی» به مثابه نگرشی در فقه است که فقیه، در زمان امکان تحقق حاکمیت مطلوب شیعی در عصر غیبت، در استنباط مسائل فقهی، اقتضائات حاکمیت سیاسی شیعه و اداره مطلوب جامعه دینی را در نظر گرفته و در استنباط خود ضمن این که به رفع نیازهای حکومت عنایت دارد، نیازهای فردی مؤمنان و مکلفان را نیز ذیل نیازها و شرایط کلان جامعه قرار داده و در استنباط خویش، هویت کلان نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... را مورد لحاظ قرار می دهد. مطابق این نگرش، در بررسی احکام، مباحث فقهی و بیان افعال مکلفان، انسان‌ها به عنوان فردی از افراد کشور اسلامی در نظر گرفته شده و به عنوان افرادی جدا و بریده از اجتماع و حکومت مورد عنایت قرار نمی گیرند. لذا فقه حکومتی، به معنای نگرش و بینش حاکم بر کل فقه، گستره‌ای همانند فقه غیر حکومتی، مشتمل بر تمامی گستره ابواب فقه دارد، لکن استنباط‌های فقهی در فقه حکومتی، به غرض اداره مطلوب و شریعت مدار نظام سیاسی بوده و استنباط تمامی ابواب فقه را به گونه‌ای که ناظر به اداره کشور اسلامی باشد، مورد لحاظ قرار می دهد.

از این روی، گستره‌ای که در فقه حکومتی مورد بحث قرار می گیرد، نه مباحث سیاسی، بلکه تمامی ابواب و مسائل فقه خواهد بود؛ زیرا اداره مطلوب حکومت، مستلزم قانون گذاری مناسب، منسجم و کارآمد در شئون مختلف زندگی مردم و جامعه است و فقیه می بایست در راستای تدوین قوانین مناسب برای اداره جامعه، همه اقتضائات حکومت اسلامی و نیازهای آن را مورد بررسی قرار دهد. مباحثی در حوزه اقتصاد، فرهنگ، حقوق، نظامی، انتظامی، خانواده، احوالات شخصی و ... بلکه تمامی فقه، گستره فقه حکومتی را تشکیل خواهد داد.

بر این اساس، مرکب واژه «فقه حکومتی» با واژه مشابه خویش: «فقه سیاسی» که بررسی موضوعات و مسائل سیاسی در گستره فقه را مدّ نظر قرار داده متفاوت است و همین طور با واژه «فقه الحکومه» که مباحثی در گستره فقه که حکومت و مسائل آن را مورد بررسی قرار می دهد نیز همسان نیست؛ به عبارت دیگر، برخلاف «فقه سیاسی» که مباحث سیاسی را گستره فقه، مدّ نظر قرار داده و برخلاف «فقه الحکومه» که حکومت به مثابه موضوع فقه را مورد بررسی قرار می دهد و تعیین سیاست و حکومت مطلوب، بررسی مسائل، ارکان، شرایط سیاست ورزی و ویژگی های حکومت و حاکمان در فقه شیعه را مورد عنایت قرار می دهد، «فقه حکومتی» به مثابه نرم افزار اداره حکومت دینی، نگرشی است که بر تمامی فقه، حاکم بوده و بر اساس آن، فقیهان می بایست در تمام فقه (اعم از مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و...) هویتی متمایز به نام جامعه و حکومت را مورد توجه قرار داده و پاسخ به نیازهای آن را سرلوحه اجتهاد و استنباط خود قرار دهند.

ترویج رویکرد فقه حکومتی، امری عرفی و برآمده از ضرورت های جامعه معاصر نبوده بلکه به مبانی دینی و سیره اهل بیت علیهم السلام مستند است؛ و عدم به کارگیری این رویکرد در فقه سنتی شیعه نه به خاطر عدم جواز این نگرش در فرایند استنباط یا فقدان دلیل برای آن، بلکه از آن روست که فقه شیعه به خاطر اقتضای شرایط زمان غالب عصر غیبت، همواره در حالت تقیّه قرار داشته و از آنجاکه فقیهان هیچ گاه در فضای حکومت مطلوب شیعی قرار نداشتند، لذا در استنباط های خویش، اداره مطلوب حکومت را مدّ نظر قرار نداده بلکه در استنباط های خویش، پرسش های مکلفان در خصوص زندگی مؤمنانه شان را مدّ نظر قرار داده و از این روی، اجتهاد آن ها در پاسخ به پرسش های فردی مؤمنان رقم می خورد. بر این اساس، گرچه فقه شیعه در طول زمان های طولانی عصر غیبت، همواره به پاسخ گویی نسبت به پرسش های زمانه مشغول بوده و فقیهان همواره در پیامد حوادث و موضوعات جدید، به استنباط احکام آن پرداخته و راه حلی برای این مسائل ارائه می کردند؛ لکن آنچه فقه شیعه را نسبت به زمان های گذشته متمایز می کند، شرایط موجود جامعه اسلامی مبتنی بر پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس آموزه های فقه شیعه و رهبری مجتهد جامع الشرایط (در قالب ولایت فقیه) است؛ زیرا فارغ از این که تحقق انقلاب اسلامی در کشور ایران، زمینه تقیّه را از بین برده و امکان پرسش از مسائل فقه حکومتی را هموار کرده است، استقرار نظام اسلامی با محوریت فقه شیعه و اداره مطلوب آن، مستلزم عنایت به قانون گذاری مناسبی است که ضمن این که به فقه شیعه و مبانی آن مستند باشد، هویت جامعه اسلامی را مدّ نظر قرار داده و بر اساس نگرش اداره این جامعه وسیع (کشور اسلامی) به استنباط بپردازد.

در توضیح این قضیه باید گفت: قالب فقه شیعه در تمام ادوار عصر غیبت تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در پاسخ به سؤالاتی ارائه می‌شد که برای زندگی مؤمنانه یک انسان لازم است و در این راستا، نیازهای افراد (به‌مثابه مؤمنان پرستشگری که مکلف به اطاعت از احکام شرع هستند)، محور استنباط بوده است؛ درحالی‌که بنا بر اقتضای حکومت اسلامی بر محور فقه، فقیهان باید در استنباط خویش، هویت جامعه اسلامی (به‌مثابه امری متمایز از افراد مؤمن موجود در جامعه) و نیازهای آن را مد نظر قرار دهند بلکه می‌بایست حکومت اسلامی به‌مثابه شخصیت حقوقی را نیز به رسمیت شناخته و الزامات و اقتضات آن را نیز در فرایند اجتهاد، مورد ملاحظه قرار دهند. بلکه می‌بایست، شهروندان را به‌مثابه افرادی موجود در جامعه اسلامی که زندگی آن‌ها با زندگی سایر شهروندان گره خورده و دارای حقوق و تکالیفی نسبت به جامعه و حکومت هستند، مورد لحاظ قرار داده و پرسش‌ها و نیازهای آن‌ها را به‌مثابه شهروندان جامعه اسلامی، مورد استنباط قرار دهد.

با عنایت به این‌که علم کلام به‌عنوان علم پایه و مبنا در معرفت اسلامی، علاوه بر جایگاه معرفت بخشی به مسلمانان و پاسخ به شبهات دینی، همواره، به‌مثابه پشتوانه معرفتی علم فقه به شمار رفته و علم فقه به‌عنوان علم متولی افعال و رفتار مؤمنان (نسبت به خدا، نسبت به دیگران و نسبت به جامعه و اطراف خویش)، نیازمند اعتقادات پیشینی و باورهای کلامی است و این اعتقادات کلامی، همواره نقشی اساسی در اموری چون: تعیین چارچوب‌های اساسی علم فقه، تضمین حجیت و مشروعیت منابع این علم، تعیین غایات و کارویژه‌های فقه و گستره و قلمرو آن دارد، لذا این رساله ضمن باور به ضرورت توسعه علم کلام به عرصه‌های تخصصی چون سیاست و تحقق‌گرایی بینارشته‌ای در قالب «کلام سیاسی» در راستای بررسی مسائل و موضوعات کلامی عرصه سیاست و حکومت دینی، بر این باور است که مبانی کلامی، علاوه بر رویکرد نظری و معرفتی، از این‌توان برخوردار هستند که در علوم فرودستی خویش، تغییرات اساسی، ایجاد کنند

هنگامی‌که بحث از مبانی یک علم، مورد بحث قرار می‌گیرد، دو گونه مبانی، می‌تواند مد نظر قرار گیرد. از یک‌سو، مراد از مبانی، اصول موضوعی همان علم است که درون خود علم قرار داشته و بحث از آن به‌مثابه مطالعات درجه‌یک همان علم، محسوب می‌شود و از سوی دیگر، مراد از مبانی، اصولی در خارج از علم است که می‌توان از نتیجه آن در علم، بهره گرفت. بر این اساس، مراد از مبانی کلامی در این تحقیق، اموری خارج از علم فقه است که فقیه آن‌ها را به‌مثابه پیش‌فرض، پذیرفته و بر اساس آن اجتهاد خود را به سامان می‌رساند؛ و از آنجاکه علم کلام به‌مثابه علم پیشینی و پشتیبان علم فقه محسوب می‌شود، لذا مؤلفه‌ها و گزاره‌های کلامی می‌توانند در نگرش فقیه، تفاوت ایجاد کرده و گونه متفاوتی از اجتهاد و احکام را رقم بزنند. در این تحقیق، مباحث کلامی متعددی چون مبانی خداشناختی، انسان‌شناختی،

دین‌شناختی و ... از آن روی، مورد بحث قرار می‌گیرد که نوع نگرش متفاوت به آن‌ها، پیش‌فرض‌هایی را برای فقیه رقم می‌زند که به خروجی و نتیجه متفاوتی از اجتهاد و احکام شرعی منجر می‌شود. از آنجاکه این مبانی در علم کلام، مورد بحث قرار گرفته و از جمله موضوعات و مسائل آن علم، به شمار می‌آید، لذا از این مسائل، مؤلفه‌ها و گزاره‌ها، به «مبانی کلامی»، تعبیر می‌شود از همین روی، با «مبانی اجتهادی» که در «فلسفه فقه» مورد بحث قرار گرفته و از «مبانی اصولی» که در علم اصول مورد بحث قرار می‌گیرد، متفاوت است.

بر این اساس، همچنان‌که علم کلام در سالیان دور، به‌مثابه پشتیبان علم فقه تلقی شده و بر ضرورت پاسخ‌گویی فقه نسبت به نیازهای مکلفان در عرصه امور زندگی فردی و احوالات شخصیه مکلفان، تأکید کرده است، در عصر حاضر که تحقّق نظام اسلامی به راهبری فقیهان، حکم به ضرورت اداره نظام اسلامی بر اساس فقه شیعه داده است، کلام سیاسی قادر است مبانی کلامی تحقّق فقه حکومتی در راستای روزآمدی، پاسخ‌گویی به نیازهای کلان جامعه و اداره مطلوب و کارآمدی آن بر اساس آموزه‌های اصیل شیعه را تأمین کند.

مطابق این معنا، مبانی کلامی چون خداشناختی، راهنماشناختی، دین‌شناختی و انسان‌شناختی، می‌بایست علاوه بر ایجاد معرفت و شناخت مناسب از مبانی دین اسلام و مذهب شیعه، دامنه‌ای حدّاکثری در عرصه سیاست، اجتماع و حکومت یافته و از این روی، مبانی مناسب جهت گسترش دامنه کارویژه‌های فقه شیعه در راستای تحقّق، استقرار، تدبیر و کارآمدی نظام سیاسی را ارائه کرده بلکه نرم‌افزار مناسب جهت اداره آن را تولید نماید. بر این اساس، این تحقیق، در صدد است با بازشناخت مبانی کلامی در عرصه‌های مذکور، دامنه حدّاکثری آن را مورد عنایت قرار داده و در راستای ارائه سند پشتیبان، جهت ضرورت استنباط حکومت‌محور برای فقه، به کار بگردد.

۲-۱-۱. ضرورت و اهداف تحقیق

مبانی کلامی فقه حکومتی، از مباحث نوپیدا و عرصه‌های تحقیقی است که کمتر بدان پرداخته شده است. این مباحث از آن روی، ضرورت می‌یابد که امروزه، رویکرد فقهی، متناسب با فضای حاکمیت سیاسی مبتنی بر فقاقت در پیامد انقلاب اسلامی، فراهم شده بلکه ضرورت یافته است و برخی گام‌های آغازین در تحقّق این رویکرد فقهی، از سوی امام خمینی و برخی شاگردان مکتب فقهی ایشان، انجام شده است. لکن با وجود آن‌که تحقّق حاکمیت سیاسی مبتنی بر آموزه‌ای حدّاکثری فقهی، در گرو رویکرد فقهی به قوانین نظام اسلامی و استنباط مسائل و پرسش‌های خرد و کلان حکومت اسلامی بر اساس رویکرد اجتهاد است؛ اما با وجود برخی گام‌های اولیه که در این خصوص برداشته شده، تبدیل این رویکرد از اجتهاد، به گفتمان رایج فقهی در حوزه‌های علمیه، عمدتاً نیازمند تبیین مبانی فلسفی، کلامی و

روشی این رویکرد فقهی است. از این جهت، این تحقیق، در راستای تبیین مبانی کلامی فقه حکومتی است تا ضمن این که جواز بلکه ضرورت این رویکرد فقهی، توجیه و تثبیت شود، گستره و قلمرو، الزامات آن نیز در عرصه فقه حکومتی، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. چه آن که در صورت رویکرد فردی به فقه در فضای حکومت اسلامی، اداره شریعت مدار جامعه، رویکرد حدّ اقلی به خود گرفته و به خاطر اقتضانات فردگرایانه آن، قادر نخواهد بود، به گونه مطلوب و کارآمد، نظام زندگی مردم در عرصه های خرد و کلان جامعه را به صورت مطلوب اداره نماید. چه آن که به قول آیت الله خامنه ای: «فقه اسلام آنگاه که اداره زندگی فرد و جامعه (با آن گستردگی و پیچیدگی و تنوع را) مطمح نظر می سازد مباحثی تازه و کیفیتی ویژه می یابد و این همان طور که نظام اسلامی را از نظر مقررات و جهت گیری های مورد نیازش، غنی می سازد، حوزه فقاہت را نیز جامعیت و غنا می بخشد. روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه شئون يك حکومت و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است که نظم علمی حوزه، امید بر آمدن آن را زنده می دارد.»^۱

بر این اساس، هدف از این تحقیق، علاوه بر راهگشایی در نظام اداره جامعه ناظر به مبانی فقهی، توسعه ادبیات «کلام مضاف» است که مباحثی در عرصه کلام ناظر به عرصه سیاست و حکومت و نظام اداره حکومت دینی بر اساس شریعت است؛ زیرا برخلاف رواج علم کلام در عرصه مباحث عمومی علم کلام، توسعه علم کلام، در گرو رواج مباحث کلامی ای است که به مباحث و موضوعات خاصّ عنایت داشته و می تواند خلأ فکری — کلامی جامعه را با عنایت به تخصص های مشخص، برطرف نماید. بلکه مستلزم شناخت مناسب و شایسته فقه حکومتی و الزامات کلامی مبانی خداشناختی، راهنماشناختی، انسان شناختی و دین شناختی آن، در رویکرد حکومتی به فقاہت و الزامات آن در خصوص رویکرد روش شناسی اجتهاد با رویکرد اداره حکومت دینی است.

۳-۱-۱. سؤالات اصلی و فرعی

سؤال اصلی:

فقه حکومتی به مثابه فقه اداره کلان جامعه و کشور اسلامی از چه مبانی کلامی برخوردار است؟

سؤالات فرعی:

۱- فقه حکومتی از چه ماهیت و ویژگی هایی برخوردار است؟

۱. آیت الله سید علی خامنه ای، پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست گذاری حوزه، ۱۳۷۱/۸/۲۴.

۲ - فقه حکومتی از چه مبانی خداشناختی برخوردار است؟

۳ - فقه حکومتی از چه مبانی انسان‌شناختی برخوردار است؟

۴ - فقه حکومتی از چه مبانی راهنماشناختی برخوردار است؟

۵ - فقه حکومتی از چه مبانی دین‌شناختی برخوردار است؟

۴-۱-۱. فرضیه تحقیق

۱ - فقه حکومتی، به‌عنوان رویکردی فقهی در پاسخ به نیازهای متناسب با نظام اداره کلان جامعه، نه رویکردی غیر اصیل و برآمده از ضرورت‌های مقطعی ناشی از حکمرانی بلکه مبتنی بر مبانی کلامی متعددی در ساحت خداشناسی، انسان‌شناسی، راهنماشناسی و دین‌شناسی است و در زمان بسط ید، اقتدار و حاکمیت فقیهان شیعه بر توانایی اداره حکومت توسط فقه شیعه به‌مثابه نرم‌افزار اداره کلان جامعه، حکم کرده و حجیت آن را به اثبات می‌رساند.

۲ - فقه حکومتی رویکردی فقهی است که در فضای تحقق حکومت دینی یا اقتدار فقیهان، به استنباط در راستای اداره مطلوب جامعه و حکومت می‌پردازد و در پاسخگویی و ارائه احکام، علاوه بر نیازهای فردی، به نیازهای کشور و جامعه، عنایت می‌نماید و افراد را به‌مثابه فردی از جامعه، مورد لحاظ قرار می‌دهد.

۳ - باوجود این‌که بسیاری از مبانی خداشناسی، تاکنون، رویکرد اعتقادی داشته و به صرف باور به خداوند، مورد عنایت قرار می‌گرفته است، اما می‌توان به امتداد این مبانی خداشناختی در ارائه رویکرد فقهی به مسائل حکومت، اشاره کرد که از آن میان می‌توان به الزامات ربوبیت الهی برای تربیت حداکثری جامعه به‌سوی سعادت، تشریح توأمان برای تقنین در عرصه احوالات شخصیه و اداره امور عمومی جامعه و الزامات اوصاف الهی چون ملک (فرمانروایی) برای اداره امور عمومی جامعه، عدالت و قسط جهت رویکرد حداکثری برای تحقق قسط و عدل فراگیر در جامعه، قدرت و حکمت، جهت اداره حکیمانه و مقتدرانه نظام سیاسی اشاره کرد.

۴ - باوجود این‌که انسان‌شناسی، عمدتاً رویکرد مستقلی در علم کلام دارد، لکن از آنجاکه فهم انسان، به‌مثابه موضوع احکام الهی، تأثیر اساسی در استنباط فقیه دارد، لذا می‌توان از آن در راستای تحقق فقه حکومتی، استفاده کرد. بدین صورت که اشتمال آن به ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، جسمی، روحی و...، مستدعی رویکردهای متفاوتی در هر کدام از این ساحت‌هاست به‌عنوان نمونه، رویکرد اجتماعی انسان، مستدعی ارائه احکامی متناسب با جایگاه وی به‌مثابه موجودی مدنی بالطبع و شهروند جامعه است، بلکه فهم انسان به‌مثابه خلیفه الهی مستدعی جانشینی خلیفه نسبت به مستخلف عنه در جامعه است و در فرض اقتدار و توانایی، مستدعی تلاش جهت سلطه و تحقق موازین و قوانین الهی در